

## تعدیل بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی از طریق آموزش مشارکت مدنی در دانش آموزان دختر دبیرستانی

فرهاد تنهای رشوانلو<sup>۱\*</sup>، روهینا جامی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مشارکت مدنی بر بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستانی بود. در یک مطالعه از نوع آزمایشی با استفاده از پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل ۱۰ شرکت کننده به روش نمونه گیری تصادفی از میان دانش آموزان دختر متوسطه دوم ناحیه شش شهر مشهد انتخاب شدند و به پرسشنامه های بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی پاسخ دادند. نتایج تحلیل کوواریانس نشان دادند که میان دو گروه در بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی تفاوت آماری معنی داری وجود داشت و مقایسه میانگین های تعدیل شده نشان داد که در هر دو متغیر آزمودنی های گروه آزمایش میانگین کمتری داشتند. به نظر می رسد افزایش دانش و آگاهی در خصوص نهادهای مدنی می تواند بر میزان بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستانی مؤثر باشد و سبب کاهش آن ها شود.

**کلیدواژه ها:** مشارکت مدنی؛ بی تفاوتی اجتماعی؛ بیگانگی اجتماعی

### مقدمه

انسان به عنوان یک موجود مدنی، برای رفع نیازمندی های زیستی، روانی و اجتماعی خود نیازمند توجه، تعاون، همکاری و مشارکت با دیگران است (قادر زاده و یوسفوند، ۱۳۹۱). بی تفاوتی اجتماعی نقطه مقابل مشارکت اجتماعی بوده و به معنای بی علاقه ای، دل مردگی و بی احساسی نسبت به پدیده های زیستی، محیطی و انسانی پیرامون است (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵). از بی تفاوتی اجتماعی به عنوان پدیده ای آسیب شناختی، نوعی بیماری اجتماعی، مانعی در راه مشارکت و توسعه و از عوارض شهرنشینی یاد می شود (ظهیری نیا، گلایی و ایوریق، ۱۳۹۴). احساس نابرابری، فردگرایی و فقدان قدرت (نجفی اصل، رضایی و اسدی سی سخت، ۲۰۱۹)، میزان مشارکت سیاسی (احمد، ۲۰۱۵)، بی اعتمادی اجتماعی، عدم اثربخشی و کاهش مسئولیت اجتماعی (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴) و پایگاه اجتماعی و اقتصادی (احمد، ۲۰۱۵؛ لورفا، یوگویو، ایفیگوازی و چوکورجی، ۲۰۱۸)، می تواند بی تفاوتی اجتماعی را پیش بینی کند. یکی از سازه های مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی، میزان بیگانگی اجتماعی است (ظهیری نیا و همکاران، ۱۳۹۴). بیگانگی اجتماعی به معنای جهت گیری منفی، احساسات ناهماهنگ، احساس جدایی از خویشان و بیزار از ارزش های جامعه است (نادری، بنی فاطمه و حریری اکبری، ۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی، گرایشات مذهبی، میزان همنوایی اجتماعی و رضایت از زندگی (توفیقیان فر و حسینی، ۱۳۹۱) و میزان سطح استفاده از رسانه های جمعی (ابراهیمی لویه، صحبتی ها و رضایی زاده، ۱۳۹۳) با بیگانگی اجتماعی رابطه دارند. به نظر می رسد ناکارآمدی قوانین و ضوابط رسمی به واسطه تغییرات سریع در جامعه فعلی به وجود آمده و نیازمند حضور و مداخله افراد در فرایندهای اجتماعی و مشارکت مدنی است؛ اما، در این میان تفاوت های جنسیتی وجود دارد. گرچه در سال های اخیر تحولات عمده ای رخ داده و زمینه برای حضور و مشارکت مدنی زنان فراهم شده است؛ اما، هم چنان زنان به واسطه عوامل فرهنگی با مشکلات عدیده ای در این زمینه مواجه هستند و میزان منابع در دسترس، احساس اثربخشی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی می توانند بر میزان مشارکت مدنی زنان اثر دارند (قادرزاده و یوسفوند، ۱۳۹۱). در کنار تغییر قوانین و مقررات و نیز تغییر در نگرش های زنان نیاز است تا دانش و آگاهی آنان نیز افزایش یابد. امیرپناهی و غفاری (۱۳۸۸) نشان دادند آموزش مشارکت مدنی در دوران نوجوانی بر میزان رفتارهای شهروندی اثر دارد و این دوران در آموزش مشارکت مدنی حیاتی است. به نحوی که دانش آموزانی که در تشکل های دانش آموزی عضویت

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: farhadtanhay@um.ac.ir

دارند میزان تمایلاتشان برای مشارکت مدنی بیشتر است. این آموزش‌ها می‌توانند با افزایش میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هویت مدنی میزان مشارکت مدنی را در بزرگسالی افزایش دهند.

به نظر می‌رسد افزایش آگاهی دانش‌آموزان و به ویژه دختران در خصوص نهادهای مدنی و شیوه‌های مشارکت مدنی می‌تواند بر نگرش آنان نسبت به مسائل اجتماعی مؤثر باشد. بر این اساس، در پژوهش حاضر به مطالعه تأثیر آموزش مشارکت مدنی بر بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی پرداختیم.

## روش

### شرکت‌کنندگان

طرح پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود و جامعه آماری آن را دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم ناحیه شش شهر مشهد تشکیل می‌داد. جهت انتخاب نمونه، یکی از مدارس متوسطه دوم دخترانه به شیوه تصادفی برگزیده شده و ابزارهای اندازه‌گیری بر روی ۶۰ نفر از دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم رشته علوم انسانی اجرا گردید. در ادامه ۲۰ نفر از دانش‌آموزانی که نمرات آنان در متغیرهای وابسته، یک انحراف معیار بالاتر از میانگین بود به عنوان گروه نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

### ابزار

پرسشنامه بی تفاوتی/اجتماعی: این پرسشنامه توسط نادری، بنی فاطمه و حریری اکبری (۱۳۸۸) تدوین شده و دارای ۱۰ عبارت است و نمره‌گذاری آن در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌گیرد. نمرات بالاتر به معنای بی تفاوتی اجتماعی بالاتر است و بالعکس. روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه در مطالعه اصلی مورد بررسی قرار گرفته و روایی عاملی آن با تحلیل عاملی تأییدی مطلوب گزارش شده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه اولیه پژوهش حاضر ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه بیگانگی/اجتماعی: این پرسشنامه توسط نادری، بنی فاطمه و حریری اکبری (۱۳۸۸) با هدف ارزیابی بیگانگی اجتماعی در قالب ۱۹ عبارت تدوین شده است. نمره‌گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌گیرد. مجموع نمرات افراد میزان بیگانگی اجتماعی آنان را نشان می‌دهد. نمرات بالاتر به معنای بیگانگی اجتماعی بالاتر است و بالعکس. روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه در مطالعه اصلی مورد بررسی قرار گرفته و روایی عاملی آن با تحلیل عاملی تأییدی مطلوب گزارش شده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه اولیه پژوهش حاضر ۰/۷۸ به دست آمد.

### شیوه اجرا

پس از اخذ مجوزهای لازم، گردآوری داده‌ها به صورت گروهی انجام شد. پیش از اجرا، در خصوص اهداف طرح توضیحاتی به شرکت‌کنندگان ارائه شده و رضایت شفاهی آنان جهت شرکت در پژوهش اخذ گردید. تمامی پرسشنامه‌ها بی نام بودند. پس از اخذ پیش‌آزمون، گروه آزمایش ۸ جلسه مداخله ۹۰ دقیقه‌ای را دریافت کردند.

در جلسه اول پس از معرفی طرح و اهداف آن، به گروه‌بندی پرداخته شد. جلسه دوم به بررسی انگیزه‌های افراد در خصوص مشارکت مدنی و علل بی تفاوتی نسبت به آن در قالب بحث گروهی پرداخته شد. در جلسه سوم، به بررسی شیوه‌های مشارکت مدنی و فرصت‌های موجود جهت ایفای نقش در جامعه پرداخته شد و گروه‌ها به انتخاب گستره موضوعی تشکیل مدنی خود پرداختند. جلسه چهارم، به معرفی برخی از نهادهای قانونی، سازمان‌های مردم‌نهاد و جمعیت‌های خیریه و امدادی پرداخته شد و گروه‌ها عناوین تشکیل مردم‌نهاد خود را نهایی و به تعیین اهداف آن پرداختند. در جلسه پنجم، سازوکار اخذ مجوزهای قانونی تشکیل مردم‌نهاد مورد بررسی قرار گرفت. جلسه ششم به بررسی گروهی تقاضای تأسیس تشکیل‌های مردم‌نهاد گروه‌ها اختصاص یافت. در جلسه هفتم، روش‌های برنامه‌ریزی در درون تشکیل‌ها، وظایف هر یک از اعضای هیئت مؤسس و شیوه‌های معرفی تشکیل و جذب عضو آموزش داده شد. در نهایت در جلسه هشتم، اساسنامه‌های تشکیل‌ها مورد بررسی قرار گرفت و آزمودنی‌ها در خصوص تجربه‌های خود در مدت زمان شرکت در دوره آموزشی بحث و گفتگو کردند. در پایان این جلسه پس‌آزمون اجرا گردید. گروه کنترل در این مدت آموزشی را در این راستا دریافت نکردند. گردآوری داده‌ها در این گروه با یک روز فاصله صورت گرفت.

## نتایج

یافته‌های جمعیت شناختی نمونه نشان داد که میانگین سنی گروه آزمایش ۱۶/۳۰ سال با انحراف معیار ۰/۴۸ و گروه کنترل ۱۶/۱۰ با انحراف معیار ۰/۷۸ است. همچنین ۴۰ درصد از دانش آموزان گروه آزمایش و ۷۰ درصد دانش آموزان گروه کنترل در پایه یازدهم مشغول به تحصیل بوده‌اند. آزمون دقیق فیشر نشان داد که گروه‌ها همگن بوده و تفاوت معناداری ندارند ( $\chi^2=0/72$ ,  $P=0/18$ ). در ابتدا لازم بود که از مفروضات آزمون تحلیل کوواریانس مبنی بر نرمال بودن نمونه مورد نظر از لحاظ متغیرهای مورد پژوهش اطمینان حاصل شود، بدین منظور، برای مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون شاپیرو - ویلک استفاده شد که نتایج نشان داد که توزیع متغیرها به تفکیک گروه‌ها نرمال است ( $P>0/05$ ). افزون بر این همگنی واریانس‌ها و همگنی شیب رگرسیون نیز محقق گردید ( $P>0/05$ ). نتایج بررسی رابطه خطی متغیر هم پراش و وابسته در جدول ۱ نشان می‌دهد که رابطه خطی معناداری میان این دو متغیر وجود دارد ( $P<0/01$ ). در ادامه نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱

متغیر	گروه	منبع تغییرات	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور
بی تفاوتی اجتماعی	آزمایش	پیش‌آزمون	۷۳/۹۲	۳۴/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۵۹
کنترل	عضویت گروهی		۳۰/۰۴	۱۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۳۷
بیگانگی اجتماعی	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۰۱/۲۴	۸/۸۱	۰/۰۱	۰/۳۴
کنترل	عضویت گروهی		۳۶۵/۴۰	۱۵/۹۹	۰/۰۰۱	۰/۴۹

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود تفاوت‌ها برحسب عضویت گروهی در بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی معنادار است. مقایسه میانگین‌های تعدیل شده نیز نشان داد که در بی تفاوتی اجتماعی (۱۸/۶۲ در برابر ۲۱/۰۸) و بیگانگی اجتماعی (۳۲/۶۲ در برابر ۴۱/۱۸) آزمودنی‌های گروه آزمایش میانگین کمتری داشته‌اند. اندازه اثر آموزش مشارکت مدنی بر بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی به ترتیب  $\eta^2=0/37$  و  $\eta^2=0/49$  بود.

## بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش مشارکت مدنی بر بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش مشارکت مدنی باعث کاهش بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در گروه مداخله شده است. بدین معنی که آشنایی با نهادهای مدنی، شیوه هدف‌گذاری و فعالیت، اصول جذب اعضا و فنون تقسیم کار و نیز طرح‌ریزی تأسیس تشکلهای مدنی می‌تواند، بی‌علاقگی، بی‌احساسی و دل‌مردگی در برابر چالش‌ها و مسائل اجتماعی، جهت‌گیری منفی، احساسات ناهماهنگ، احساس جدایی از خویش و بی‌بازی از ارزش‌های جامعه را در دانش‌آموزان دختر کاهش دهد. چنان‌که نوابخش و میرزاپوری و لولکلا (۱۳۹۴) نشان داده‌اند بی‌اعتمادی اجتماعی، عدم اثربخشی و کاهش مسئولیت اجتماعی می‌تواند بی تفاوتی اجتماعی را پیش‌بینی کند.

بر این اساس افزایش آگاهی دانش‌آموزان می‌تواند احساس تاثیر و دانش آنان در خصوص گستره فعالیت‌های اجتماعی ممکن را در آنان افزایش دهد و از این طریق میزان بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی را کاهش دهد. احساس نابرابری، فردگرایی و فقدان قدرت می‌تواند بی تفاوتی اجتماعی را پیش‌بینی کند (نجفی اصل و همکاران، ۲۰۱۹). بر این اساس آشنایی با نهادهای مدنی و فرصت‌های موجود در زمینه راه‌اندازی و فعالیت در تشکلهای مدنی و نیز بررسی مثال‌ها و موارد موجود فعلی می‌تواند بر نگرش‌های دانش‌آموزان دختر در خصوص نابرابری‌های اجتماعی و نیز فقدان قدرت در ورود به این تشکلهای اثرگذار بوده و از این طریق بیگانگی اجتماعی آنان را کاهش دهد.

اندازه اثر آموزش مشارکت مدنی بر بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در سطح متوسطی قرار داشت و این آموزش‌ها تنها ۳۷ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی و ۴۹ درصد از تغییرات بیگانگی اجتماعی را تبیین می‌کردند. بدین معنی که این سازه‌های روانی و اجتماعی از سایر متغیرها نیز تأثیر می‌پذیرند. بررسی روابط میان این متغیرها با بی تفاوتی و بیگانگی اجتماعی به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود. نتایج این پژوهش به دلیل اجرا در محدوده یک شهر و عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر از قبیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان با محدودیت مواجه بوده و باید با احتیاط تعمیم داده شود.

## منابع

- ابرهیمی لویه، عادل؛ صحبتی‌ها، علی و رضایی زاده، همایون (۱۳۹۳). بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهرستان خدابنده). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۵، ۱۷-۱.
- امیرپناهی، محمد و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). چگونگی شکل‌گیری شهر شهروند مدار: بررسی در نقش مشارکت در نهادهای آموزشی و تأثیر آن بر تکوین مشارکت مدنی در بزرگسالی. *مدیریت شهری*، ۲۴، ۲۶-۱۷.
- توفیقیان فر، علی حسن و حسینی، سید احمد (۱۳۹۱). بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۳، ۴۵-۵۸.
- ظهیری نیا، مصطفی؛ گلابی، فاطمه و هدایت ایوریق، رحیم. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل مؤثر بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی. *مطالعات علوم اجتماعی*، ۴۵، ۱۲۱-۸۶.
- عنبری، موسی و غلامیان، سارا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷، ۱۵۹-۱۳۳.
- قادر زاده، امید و یوسفوند، حجت اله. (۱۳۹۱). سنجش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰، ۱۲۶-۱۰۱.
- نادری، حمداله؛ بنی فاطمه، حسین و حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۸). الگوسازی ساختاری رابطه‌ی بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۶، ۵۹-۲۹.
- نوابخش، مهرداد و میرزایوری ولوکلا، جابر (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی تفاوتی اجتماعی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۷، ۶۷-۵۳.
- Ahmad, S. (2015). Role of socioeconomic status and political participation in construction of apathy among youth. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 25, 801-809.
- Iorfa, S. K., Ugwu, C., Ifeagwazi, C. M., & Chukwuorji, J. C. (2018). Substance use among youths: roles of psychoticism, social alienation, thriving and religious commitment. *African Journal of Drug and Alcohol Studies*, 17, 133-146.
- Najafi Asl, Z., Rezaei, H., & Asadi Sisakht, A. A. (2019). Investigating the relationship between the feeling of inequality and civil apathy among the citizens of Tehran. *Religación Revista de Ciencias Sociales y Humanidades*, 4, 258-271.